

نگرشی بر نگارش های کلامی (۱۱)

حمید عطائی نظری

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
h.ataee@isc.c.ir

| ۱۶۵-۱۸۷ |

کتاب الحدودِ مُقرئ نیشابوری و چاپ نامعتبر آن



Nagarishī bar nagārish-hā-yi kalāmī (11):

Muqri' Nishābūrī's k. al-Ḥudūd and its uncritical edition
Hamid Ataei Nazari

Abstract: Qutb al-Dīn Abū Ja'far Muḥammad ibn 'Alī ibn al-Ḥasan Muqri' Nishābūrī was one of the prominent Imāmī theologians in the 6th century AH, and one of the followers of Sharif Murtaḍā's theological school (d: 436 A.H.) known as "the later Imāmī school of Baghdad". Among his theological works are two valuable writings entitled al-Ḥudūd and al-Ta'līq, each of which is highly significant in various aspects. al-Ḥudūd is a theological glossary in which Nishābūrī defines and explains the common theological terms found in the Mu'tazilite theological texts based on the teachings of the Baḥshamī Mu'tazilite school. In this article, having discussed some general primary notes on glossaries and their role in helping readers understand the expressions and statements of authors in various Islamic sciences, the life and theological works of Muqri' Nishābūrī are examined. Additionally, the structure and content of the book al-Ḥudūd are discussed, and its unique edition is evaluated and criticized. This evaluation reveals that the edition of al-Ḥudūd contains significant mistakes, errors and omissions, emphasizing the necessity of providing a new revised, critical edition of the work.

Keywords: Muqri' Nishābūrī, al-Ḥudūd, al-Ta'līq, Theological Glossaries, the Theological School of Sharif Murtaḍā, Imami Theology.

چکیده: قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن مُقرئ نیشابوری یکی از متکلمان نامدار امامیه در قرن ششم هجری و از پیروان مکتب کلامی شریف مرتضی (د: ۴۳۶ ه.ق.) موسوم به «مکتب بغداد متأخر» بوده است. از وی دو نگاشته ارزشمند کلامی با نامهای الحدود و التعلیق به یادگار مانده است که هر یک از آنها از جهاتی واجد اهمیت بسیار است. کتاب الحدود اصطلاح‌نامه‌ای کلامی است که نیشابوری در آن به تعریف و تبیین اصطلاحات کلامی رایج در متون کلامی معتزلی بر بنیاد تعالیم مکتب معتزلی به‌شمی پرداخته است. در مقاله حاضر، پس از بیان مقدماتی کلی در باب انواع اصطلاح‌نامه‌ها، و اشاره به نقش آنها در دستیابی خوانندگان به فهم درست از عبارات و سخنان نویسندگان متون علوم مختلف اسلامی، احوال و آثار کلامی مُقرئ نیشابوری بررسی می‌شود. افزون بر اینها، نکاتی در خصوص ساختار و محتوای کتاب الحدود بیان می‌گردد و ویراست انتشار یافته از این اثر مورد سنجش و نقد قرار می‌گیرد. این ارزیابی نمودار آن است که ویراست یادشده از کتاب الحدود مشتمل است بر اغلاط و خطاها و افتادگی‌های چشمگیری که موجب ناستواری و بی‌اعتباری آن شده است و ضرورت ارائه چاپی منقح و محقق از آن را فریاد می‌آورد.

کلیدواژه: مُقرئ نیشابوری، الحدود، التعلیق، اصطلاح‌نامه‌های کلامی، مکتب کلامی شریف مرتضی، کلام امامیه.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قال محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی:
 «يجب على المصنّف الشارع في فنّ من العلوم
 أن يستعمل ألفاظ أهله ولا يعدل عن معانيهم»^۱.

۱. مقدمه

آشنایی با معانی اصطلاحات خاص و متداول در هر یک از علوم اسلامی مقدمه ای است واجب و مفتاحی است لازم برای ورود به آن دانش ها که بدون آن، دستیابی به فهم درست و دقیق از مقاصد و مفاهیم کلام نویسندگان این علوم امکان پذیر نیست. اینکه بعضی از دانشمندان تألیف خود در معرفی مصطلحات علوم را «مفاتیح العلوم» یا «مقالید العلوم» نام نهاده اند اشارتی است به همین نکته. از این رو، هم زمان با تکامل دانش های اسلامی کوشش هایی از جانب برخی عالمان برای شناسایی و شناساندن اصطلاحات کلیدی مطرح در این دانش ها نیز صورت گرفته است. حاصل این کوشش ها و نگارش ها، شکل گیری گونه نگرشی ویژه ای به نام «اصطلاح نامه نویسی» است و از آثار نگاشته شده در این نوع گاه با عنوان «کتب حدود و تعاریف» نیز یاد می شود.

اصطلاح نامه ها بر دو قسم اند: عام و خاص. «اصطلاح نامه های عام» عبارتند از فرهنگ هایی عمومی که تنها اختصاص به اصطلاحات خاص یک علم ندارند و مشتمل اند بر تعاریف اصطلاحات علوم و فنون مختلف، تدوین و ترتیب این گونه فرهنگ نامه ها اغلب بر حسب ترتیب الفبایی است، مثل کتاب التعریفات نگاشته میر سید شریف جرجانی (د: ۸۱۶ ه.ق.)، التوقیف علی مهمّات التعاریف از عبدالرؤف مناوی (د: ۱۰۳۱ ه.ق.)، الکلیات نوشته ابوالبقاء حسینی ککوی (د: ۱۰۹۴ ه.ق.)، کشف اصطلاحات الفنون تألیف محمد علی تهاوی (تألیف شده در سال ۱۱۵۸ ه.ق.) و جامع العلوم (دستور العلماء) نوشته عبدالنّبی احمد نگری (اتمام تألیف در ۱۱۷۳ ه.ق.). در مواردی نیز ترتیب و چینش واژگان، بر اساس دسته بندی مصطلحات خاص هر علم، به طور جداگانه صورت گرفته است، مثل مفاتیح العلوم کاتب خوارزمی (نگاشته شده حدود سال ۳۶۶ ه.ق.) و مقالید العلوم از یک نویسنده ناشناس شافعی^۲ که در آنها اصطلاحات مربوط به هر علمی در فصلی جداگانه گردآوری و تعریف شده است. به جز اینها، برخی از آثار مثل اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، اثر ارزشمند و کم نظیر محمد بن علی بن شهر آشوب (د: ۵۸۸ ه.ق.) را هم می شناسیم که طبقه بندی اصطلاحات در آنها بر مبنای «موضوعات» سامان یافته است، یعنی

۱. ابن شهر آشوب المازندرانی السروی، محمد بن علی، اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، ج ۲، ص ۲۲۰.
 ۲. درباره مقالید العلوم و نویسنده آن نگرید به مقدمه مصححان بروی راست جدید این کتاب که با مشخصات زیر نشر یافته است:

Dadkhah, Gholamreza, and Reza Pourjavady, *Keys to the Sciences (Maqā'il al-'ulūm: A Gift for the Muzaffarī Shāh Shujā' on the Definitions of Technical Terms.* Leiden), The Netherlands, Brill, 2020.

در هر فصل یا باب از کتاب، اصطلاحات مربوط به یک موضوع خاص (برای مثال: زمان، مکان، أعراض، صفات، کتابت، بلاغت، جدل، حج، جهاد، علم و ...) بر شمرده و تعریف شده است.

«اصطلاح‌نامه‌های خاص» فرهنگ‌هایی اختصاصی هستند که به تعریف و شرح اصطلاحات خاص یک یا چند علم محدود اختصاص دارند. انواع مختلف و متعددی از این دست معجم‌ها و واژه‌نامه‌های تخصصی تألیف گردیده که در هر یک از آنها اصطلاحات خاص یک یا دو (گاهی نیز سه) علم مثل فلسفه یا فقه یا کلام تدوین و تعریف شده است. کتاب الحدود ابن سینا (د: ۴۲۸ ه. ق.) که حاوی حدود و تعریف‌هایی است برای اصطلاحات فلسفی مشایی، کتاب المبین فی شرح معانی ألفاظ الحكماء و المتكلمين از سیف‌الدین آمدی (د: ۶۳۱ ه. ق.) که در بردارنده تعاریف شماری از اصطلاحات مهم فلسفی و کلامی است، کتاب الحدود الکلامیة و الفقهیة علی رأی أهل السنة الأشعریة



نگاشته ابوبکر محمد بن سابق الصقلی (م ۴۹۳ ق.) که مشتمل است بر شرح برخی از اصطلاحات کلامی و فقهی و اصولی بر بنیاد کلام اشعری و فقه مالکی، و کتاب الحدود ابواسحاق شیرازی (د: ۴۷۶ ه. ق.)، متکلم نامور شافعی اشعری، که در آن در دو باب جداگانه اصطلاحات دو علم کلام و اصول فقه تعریف و تحدید شده است، نمونه‌هایی هستند از همین اصطلاح‌نامه‌های خاص. کتاب الحدود مقرئ نیشابوری که موضوع این نوشتار قرار گرفته است نیز یکی از این اصطلاح‌نامه‌های خاص است که به تعریف و تبیین اصطلاحات کلامی اختصاص دارد. در دنباله این نوشتار، نخست به اختصار، احوال و آثار کلامی مقرئ نیشابوری بررسی می‌شود. سپس، نکاتی در خصوص ساختار و محتوای کتاب الحدود بیان می‌گردد و بیگانه و پیراست انتشار یافته از این اثر مورد سنجش و نقد قرار می‌گیرد.

۲. احوال و آثار قطب‌الدین ابوجعفر مقرئ نیشابوری

قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن حسن مقرئ نیشابوری یکی از متکلمان نامدار امامیه در قرن ششم هجری بوده است. آگاهی‌های کنونی ما از احوال و زندگانی وی چندان درخور توجه نیست و تقریباً محدود است به آنچه که دیگر عالم امامی همعصر او، شیخ منتجب‌الدین رازی درباره‌ی وی بیان کرده است. اغلب تراجم نویسان و سرگذشت‌نگاران نیز تنها به بازگفت همان سخنان منتجب‌الدین در وصف نیشابوری بسنده نموده‌اند و اطلاع خاص افزونتری درباره‌ی احوال و آثار وی ارائه نکرده‌اند.^۳ از تاریخ ولادت و وفات مقرئ نیشابوری آگاهی دقیقی نداریم اما به احتمال زیاد

۳. برای نمونه نگریید به: الطهرانی، الشیخ آقا بزرگ، طبقات أعلام الشيعة، ج ۲، ص ۱۷۳؛ الحز العمالی، محمد بن الحسن، أمل الأول، ج ۲، ص ۲۸۳؛ افندی الإصبهانی، المیرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض

او در دهه های نخستین قرن ششم هجری درگذشته است. به گفته رازی، نیشابوری استاد دو عالم و محدث برجسته امامی، یعنی سید ضیاء الدین أبو الرضا فضل الله راوندی و قطب الدین أبو الحسنین سعید بن هبة الله راوندی (د: ۵۷۳ ه.ق.) بوده است و نویسنده آثار چون التعلیق و الحدود و الموجز در علم نحو.^۴ همچنین، طبق گزارش برخی از منابع، ابو الحسن ابن عبد الصمد تمیمی یکی از مشایخ مقرئ نیشابوری بوده که وی از آنها روایت می کرده است.^۵ ابن الفوطی نیز از او با نام «قطب الدین أبو عبد الله محمد بن علی بن الحسن النیسابوری المقرئ» یاد کرده است و او را از قراء چیره دست در قرائت و تجوید دانسته که شاگردانی داشته است.^۶

گفتنی است که در بعضی از کتب تراجم از عالمی امامی به نام «ابوجعفر نیشابوری» نیز یاد شده است^۷ که به احتمال قوی کسی نیست جز همین قطب الدین ابوجعفر مقرئ نیشابوری. ابن شهر آشوب در معالم العلماء در شرح حال وی فقط به ذکر نام کتابی از او با عنوان البدایة فی الهدایة اکتفا کرده است و هیچ آگاهی دیگری در باب وی ارائه ننموده.^۸ در میان نسخ خطی معالم العلماء در خصوص ضبط نام او اختلافاتی وجود دارد به طوری که در برخی از آنها «جعفرک» و در برخی دیگر «أبو شعیب» به جای «أبو جعفر» ثبت شده است.^۹ بر این اساس، بعضی از محققان^{۱۰} او را با ابوجعفر محمد بن محمد نیشابوری معروف به «بوجعفرک»، ادیب و عالم امامی که نامش در فهرست منتجب الدین مذکور افتاده است^{۱۱}، یکی دانسته اند. اما به عقیده بسیاری دیگر، این «ابوجعفر نیشابوری» همان قطب الدین ابوجعفر مقرئ نیشابوری است.^{۱۲} میرزا عبد الله افندی اصفهانی، کتاب شناس و تراجم نگار متبخر نیز تصریح کرده است که «ابوجعفر نیشابوری»

الفضلاء، ج ۵، ص ۱۱۸.

۴. الرازی، منتجب الدین علی بن عبید الله، الفهرست (تصحیح محدث ارموی)، صص ۱۰۲ - ۱۰۳ (ش ۳۶۳).

۵. افندی الاصبهانی، میرزا عبد الله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۴۳۳.

۶. «کان من القراء المجودین». ابن الفوطی، کمال الدین عبدالرزاق بن أحمد، مجمع الآداب فی معجم

الألقاب، ج ۳، ص ۴۲۷.

۷. عالمی حنفی به نام «رضی الدین ابوجعفر محمد نیشابوری» (د: ۵۹۸ ه.ق.) نیز شناخته شده است که فقیه و شاعری نامور بوده و از او دیوان شعری و رساله ای به نام مکارم اخلاق منتشر شده است و آشکارا فرد دیگری است جز ابوجعفر نیشابوری شیعی. نگرید به: نیشابوری، رضی الدین ابوجعفر محمد، و نصیر الدین طوسی، دورساله در اخلاق و مکارم اخلاق و گشایش نامه، به کوشش: محمد تقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱ ش.

۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء (چاپ مؤسسه آل البيت)، ج ۴، ص ۷۹ (ش ۹۶۴).

۹. همو، معالم العلماء (تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی)، ص ۲۹۴.

۱۰. نگرید به: همان، پاورقی شماره ۵۸۷.

۱۱. الرازی، منتجب الدین علی بن عبید الله، الفهرست (تصحیح محدث ارموی)، ص ۱۰۹ (ش ۴۰۰).

۱۲. از جمله نگرید به: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء (چاپ مؤسسه آل البيت)، ج ۴، ص ۷۹

(ش ۹۶۴)، پاورقی؛ معجم طبقات المتکلمین، ج ۲، صص ۳۲۶ - ۳۲۷.

پیشگفته در معالِم العلماء که نویسندهٔ البداية فی الهدایة و از مشایخ قطب راوندی و شاگرد ابوعلی طوسی (فرزند شیخ طوسی) بوده است^{۱۳}، در حقیقت، همان قطب الدین مُقَرِّئ نیشابوری است. او در اینجا کتاب المجالس را نیز در شمار نگاشته‌های ابوجعفر نیشابوری یا همان مُقَرِّئ نیشابوری بر شمرده که ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از آن مطالبی نقل نموده است.^{۱۴} سَیِّد حسن صدر و شیخ آقا بزرگ طهرانی نیز به نوعی دیگر، به همین مطالب اشاره کرده‌اند و افزون بر اینها یاد آور شده‌اند که نیشابوری از حاکم ابوالقاسم عبدالله بن عبید الله حَسَکَانی نیز روایت می‌کرده است.^{۱۵} مرحوم سَیِّد عبدالعزیز طباطبائی هم در تعلیقه‌ای بر سخنان منتجب الدین دربارهٔ مُقَرِّئ نیشابوری دو کتاب المجالس و البداية فی الهدایة را نیز از جمله آثار وی معرفی کرده است و او را از شاگردان ابوعلی طوسی و حسن بن احمد بن یعقوب نیشابوری دانسته است.^{۱۶} مرحوم محدث ارموی نیز به این نکته اشاره کرده که آن ابوجعفر نیشابوری که عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب نقض (نوشته شده در حدود سال ۵۶۰ هجری قمری) از او یاد کرده است، همین قطب الدین ابوجعفر مُقَرِّئ نیشابوری است.^{۱۷} در کتاب مزبور دو بار قزوینی رازی از ابوجعفر نیشابوری نام برده است و در موضعی او را تزییل و مقیم قم و عالمی «بافضل و درجهٔ کامل» معرفی نموده.^{۱۸} با این حال، مرحوم سَیِّد محسن امین با وجود اینکه در یک جا گفتار میرزا عبدالله اصفهانی را دربارهٔ یکی بودن ابوجعفر نیشابوری نویسندهٔ البداية فی الهدایة با قطب الدین مُقَرِّئ نیشابوری بازگو کرده است،^{۱۹} همو در جای دیگری،^{۲۰} بالحاظ این نکته که منتجب الدین در شرح حال و آثار مُقَرِّئ نیشابوری از کتاب البداية فی الهدایة هیچ نام نبرده است، و شیخ حرّ عاملی نیز در اَمَل الأمل شرح حال‌های جداگانه‌ای برای ابوجعفر نیشابوری^{۲۱} و مُقَرِّئ نیشابوری^{۲۲} باز نموده است، هر

۱۳. راوندی در دو موضع از کتاب دَعَوَات از ابوجعفر نیشابوری نقل خبر کرده است: «وأخبر الشيخ أبو جعفر النيشابوري، عن الشيخ أبي علي، عن أبيه الشيخ أبي جعفر الطوسي رضي الله عنهم...». الراوندي، قطب الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله، سلوة الحزين و تحفة العليل (الشهیر بالدعوات)، ص ۲۱. نیز نگرید به: همان، ص ۲۳۵.

۱۴. افندی الإصبهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، صص ۴۳۲ - ۴۳۳. نیز نگرید به: همان، ج ۷، ص ۲۷۸.

۱۵. الصدر، السید حسن، تکملة أمل الأمل، ج ۵، ص ۲۷؛ الطهرانی، الشیخ آقا بزرگ، طبقات أعلام الشیعة، ج ۳، ص ۲۷۲.

۱۶. نگرید به: الرازی، منتجب الدین علی بن عبید الله، فهرست أسماء علماء الشیعة و مصتفیهم (تصحیح عبدالعزیز طباطبائی)، ص ۱۵۸، پاورقی ش ۱.

۱۷. نگرید به: همو، الفهرست (تصحیح محدث ارموی)، ص ۴۱۹.

۱۸. قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، صص ۲۱۲، ۴۱.

۱۹. الأمین، السید محسن، أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۴۴.

۲۰. الحُرّ عاملی، محمّد بن الحسن، أمل الأمل، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۳.

دو احتمال مغایرت و عینیت این دو را قابل طرح دانسته است.^{۲۲} به هر حال، جای این پرسش باقی است که اگر این دو نام یادشده در واقع نمودار یک شخص است و نه دو فرد متفاوت، چرا در شرح حال او منتجب الدین از دو کتاب البدایة فی الهدایة و المجالس، و ابن شهر آشوب از آثار معروف او مثل التعلیق و الموجز و به ویژه الحدود - که به احتمال قریب به یقین با آن آشنا بوده و از آن در نگارش اعلام الطرائق بهره وافر برده است - اصلاً یاد نکرده اند؟^{۲۳}

۳. گرایش و نگاشته های کلامی مُقرئ نیشابوری

قطب الدین ابوجعفر مُقرئ نیشابوری از حیث روش و گرایش کلامی در شمار پیروان مکتب شریف مرتضی علم الهدی (د: ۴۳۶ ه.ق.) موسوم به «مکتب بغداد متأخر»^{۲۴} قرار دارد. این امر از مطالب و مطاوی نگاشته های کلامی او نیک نمایان است و هیچ جای تردیدی در آن نیست. وی دو اثر ارزشمند کلامی با نامهای الحدود و التعلیق نگاشته است که خوشبختانه دست نوشته از آنها برجا مانده و هر دو نیز منتشر شده است. کتاب التعلیق او مشتمل است بر یک دوره تقریر اعتقادات و مسائل کلامی امامیه در باب اصول پنج گانه اعتقادی بر پایه دو کتاب معروف شریف مرتضی به نام المُلَخَّص و تتمه آن یعنی الذخیره. نیشابوری در التعلیق در موارد متعددی از این دو کتاب و آراء شریف مرتضی یاد کرده است.^{۲۵} به نظرمی رسد که این اثر او خلاصه گونه ای است از دو کتاب نامبرده علم الهدی و عنوان «التعلیق» هم ناظر است به همین ویژگی تلخیص گونه بودن آن.^{۲۶} بنابراین آثار کلامی مُقرئ نیشابوری را باید در شمار نگاشته های کلامی مکتب بغداد متأخر به حساب آورد و در ردیف مکتوبات کلامی متکلمانی چون شریف مرتضی و شیخ طوسی و ابوالصلاح حلبی و ابن زهره حلبی جای داد. این امر نمودار آن است که تألیفات کلامی وی به طور کلی در سبک و قالب کلام معتزلی به شمی تحریر شده است و اصلاً از گونه متون کلام فلسفی به شمار نمی آید.

نیشابوری در موضعی از التعلیق از کتاب الحدود خود نام برده است و یاد آور شده که تفصیل مطلبی

۲۲. الأملین، السید محسن، أعبان الشیعة، ج ۲، ص ۳۱۶.

۲۳. ابن شهر آشوب در معالم العلماء از عالمی به نام «محمد بن علی المُقرئ القُرَشی» نیز یاد کرده است که آشکارا فرد دیگری است غیر از «محمد بن علی بن الحسن مُقرئ نیشابوری». نگرید به: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء (چاپ مؤسسه آل البيت)، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲۴. برای آگاهی بیشتر از این مکتب کلامی نگرید به: عطائی نظری، حمید، «نگاهی به ادوار و مکاتب کلامی امامیه در قرون میانی»، مجله آینه پژوهش، سال ۲۹، ش ۱۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۷، صص ۳ - ۵۶.

۲۵. برای نمونه نگرید به: المُقرئ النیسابوری، قطب الدین ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن، التعلیق، صص ۱۳، ۴۹، ۸۱، ۸۳، ۱۱۵، ۱۵۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۱.

۲۶. در این خصوص نگرید به: انصاری، حسن، شریف مرتضی و جایگاه او در تاریخ الهیات اسلامی، ص ۱۰۵. نیز نگرید به: همو، «معنای "تعلیق" در سنت فقهی و کلامی»، منتشر شده در:

<https://ansari.kateban.com/post/5118>

را در این کتاب بیان کرده است.^{۲۷} از این اشاره و ارجاع می‌توان دریافت که وی التعلیق را پس از تألیف الحدود نگاشته است. همچنین، او در پایان التعلیق وعده می‌دهد که تفصیل مسأله‌ای را بعداً در «شرح التعلیق» بیان خواهد کرد.^{۲۸} که این سخن عزم او را بر نگارش شرحی بر التعلیق فرامی‌نماید. با این حال گویای موفق به نگارش این شرح نشده است؛ چون نه در کتب تراجم و فهرس از این کتاب یاد شده است، و نه نسخه‌ای از آن برجا مانده، و نه نقل و گزارشی از آن به ما رسیده است.

یگانه نسخه‌ی تاکنون شناخته‌شده از کتاب التعلیق دست‌نوشته‌ی است که در مجموعه‌ای خطی به همراه نسخه‌ای از کتاب الحدود قرار دارد و هر دو در ماه صفر سال ۶۵۵ هجری قمری به دست احمد بن مجتبی بن احمد بن صالح حسینی کتابت شده است. این دو دست‌نویس هم‌اکنون با شماره‌های ۳۴۴۲۴ (التعلیق) و ۳۴۴۲۵ (الحدود) در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. نخستین کسی که این دو نسخه را شناسایی و معرفی کرد مرحوم استاد محمود یزدی مطلق (فاضل) بود که آنها را خریداری کرد و ضمن حفظ آنها ویراستی از هر دو اثر نیز منتشر نمود. شوربختانه ویراست‌های نامبرده از این دو کتاب دارای اغلاط و خطاهای گوناگونی است.^{۲۹} و همین امر، ضرورت ارائه‌ی تصحیح‌هایی تازه و مُتَحَقِّق و مُحَقَّق از این دو اثر ممتنع را فریاد می‌آورد.

۴. معرفی کتاب الحدود

کتاب الحدود اصطلاح‌نامه‌ای کلامی است که مُقَرِّئ نیشابوری در آن به تعریف و تبیین اصطلاحات کلامی رایج در متون معتزلی بر بنیاد تعالیم مکتب معتزلی بَهْشَمی پرداخته است. او در مقدمه‌ی الحدود اظهار داشته است که چون شاهد اشتیاق و افریاریانش به علم اصول (کلام) بوده است تصمیم گرفته که اثری مختصر در بیان حدود و تعاریف اصطلاحات این علم تألیف نماید تا طالبان دانش کلام را در شروع فراگیری آن یاری رساند. پس از مدتی تأخیر در انجام این کار، در امتثال امر یکی از قضات برجسته به نام «ابو ابراهیم حسن بن محمد بن حسن بن بابویه» به نگارش این اثر، عزم خویش را جزم کرده و آغاز به نگارش این کتاب کرده است.^{۳۰}

پیش‌یا هم‌زمان با نگارش کتاب الحدود، اصطلاح‌نامه‌های دیگری نیز بر منهج کلام معتزلی به قلم متکلمان معتزلی یا امامی نوشته شده است که غالباً مختصرتر از الحدود هستند. برخی از این معاجم مهم و معروف که در حقیقت هم‌خانواده و مشابه الحدود مُقَرِّئ نیشابوری به حساب می‌آیند عبارتند از:

۲۷. المُقَرِّئ النیسابوری، قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن، التعلیق، ص ۸۲.

۲۸. همان، ص ۲۰۶.

۲۹. برای نقدی در خصوص ویراست انتشار یافته از کتاب التعلیق نگرید به: انصاری، حسن، «جابه‌جایی برگه‌های یک کتاب کلامی ارزشمند شیعی» منتشر شده در:

۳۰. المُقَرِّئ النیسابوری، قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن الحسن، الحدود، ص ۲۱.

۱) الحدود والحقائق تألیف ابن قاروره بصری از عالمان امامی زنده در حدود قرن ششم هجری. تعاریف مندرج در این رساله کوتاه از آثار گوناگون شریف مرتضی برگرفته و گردآوری شده است.^{۳۱} رساله دیگری که با نام مشابه الحدود والحقائق گاه با انتساب به سید مرتضی منتشر شده است^{۳۲} و ویراست تازه ای از آن نیز اخیراً به چاپ رسید^{۳۳} بی تردید از او نیست و تعاریف ارائه شده در آن با تعالیم مکتب معتزلی بهشمی ناهمگون و ناسازگار است.^{۳۴}

۲) المقدمة فی الکلام (المقدمة فی المدخل إلى علم الکلام) املاء شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (د: ۴۶۰ ه.ق.).^{۳۵} این رساله به همراه شرح نجیب الدین ابوالقاسم حسینی (د: ۵۸۲ ه.ق.) بر آن، مرجعی است ارزشمند و بی نظیر برای آشنایی با اصطلاحات کلامی رایج در مکتب شریف مرتضی.^{۳۶}

یادکردنی است که رساله ای مختصر نیز با عنوان «شرح العبارات المصطلحة بین المتکلمین» با احتمال انتساب به شیخ طوسی منتشر شده است^{۳۷} که قطعاً از او نیست با توجه به دلایل زیر:

۳۱. ابن قاروره البصری، أبو الحسن، الحدود والحقائق، چاپ شده در: الموسوی، علی بن الحسین، الرسائل والمسائل، ج ۵، (قسم الرسائل المنتزعة)، صص ۳۵۷ - ۳۸۷.

۳۲. نگرید به: موسوی بغدادی، ابوالقاسم علی بن الحسین، الحدود والحقائق، ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران»، گردآوری و تصحیح: محمدتقی دانش پژوه، صص ۱۴۹ - ۱۸۱ چاپ شده در: الذکری الألفیة للشیخ الطوسی، ج ۲، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۱۴۱ - ۲۴۰؛ الموسوی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، صص ۲۵۹ - ۲۸۹.

۳۳. ناشناس، الحدود والحقائق، چاپ شده در: الموسوی، علی بن الحسین، الرسائل والمسائل، ج ۵، (قسم الرسائل المنسوبة)، صص ۳۹۱ - ۴۵۲.

۳۴. در این خصوص نگرید به: انصاری، حسن، شریف مرتضی و جایگاه او در تاریخ الهیات اسلامی، صص ۱۹۱ - ۲۰۰.

۳۵. نگرید به: الطوسی، الشیخ محمد بن حسن، کتاب المقدمة فی الکلام، ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران»، گردآوری و تصحیح: محمدتقی دانش پژوه، صص ۱۸۳ - ۲۱۴ چاپ شده در: الذکری الألفیة للشیخ الطوسی، ج ۲، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۱۴۱ - ۲۴۰؛ و باز چاپ شده در: الطوسی، محمد بن الحسن، الرسائل العشر، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۳ ه.ق.، صص ۶۳ - ۹۰. ویراست انتقادی و منقح این رساله را نگرید در: الطوسی، الشیخ ابوجعفر محمد بن الحسن، المقدمة فی الکلام، چاپ شده با: حسینی، نجیب الدین ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی، شرح المقدمة فی الکلام، تحقیق و تقدیم: حسن انصاری، زابینه اشمیتکه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش.، صص ۱ - ۲۵.

۳۶. جهت آشنایی با این رساله و شرح آن نگرید به مقاله: انصاری، حسن، و زابینه اشمیتکه، «شیخ طوسی: نگاشته های کلامی او و سبب تداول آنها»، چاپ شده در: میراث مرتضوی: جستارهایی در باب میراث مکتوب شریف مرتضی، گزیده و ترجمه و نوشته: حمید عطائی نظری، کتاب طه، قم، ۱۴۰۱، صص ۱۰۹ - ۱۵۸.

۳۷. نگرید به: شرح العبارات المصطلحة بین المتکلمین، ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران»، گردآوری و تصحیح: محمدتقی دانش پژوه، صص ۲۳۶ - ۲۴۰ چاپ شده در: الذکری الألفیة للشیخ الطوسی، ج ۲، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۱۴۱ - ۲۴۰.

نخست آنکه: نه در الفهرست شیخ طوسی و نه در هیچ یک از منابع رجالی و کتاب‌شناختی کهن دیگر، از رساله‌ای به نام شرح عبارات المصطلحة بین المتکلمین یا اصطلاحات المتکلمین در صورت اسامی آثار شیخ طوسی نام برده نشده است. رساله معروف شیخ الطائفة در زمینه اصطلاح‌نامه نگاری همان رساله پیشگفته المقدمه فی الکلام است.

دیگر آنکه: اصطلاحات و تعاریف مندرج در رساله شرح عبارات المصطلحة بین المتکلمین آشکارا متعلق است به متون و تعالیم مکتب کلام فلسفی و نه سنت کلام معتزلی به‌شمی که شیخ طوسی در آن قلم می‌زد. اصطلاحاتی همچون «أن يفعل» و «أن یفعل» و «العدم والملكة» که در این رساله آمده است، به روشنی واژگانی است متعلق به نظام فلسفی مشائی که پس از شکل‌گیری مکتب کلام فلسفی در امامیه با اهتمام نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) و شاگردانش، به متون و مجموعه مصطلحات علم کلام وارد شد، و پیش از آن، هیچ نام و نشانی از آنها در آثار کلامی متکلمان امامی وجود نداشته است. همچنین، برخی از حدود مذکور در این رساله اصلاً با تعاریف متعارف و متداول در دوران شیخ طوسی سازگار نیست. برای نمونه، تعریف اصطلاح «علت» به «ما یتوقف علیه الشیء» و تحدید واژه «فاعل» به «ما یصدر منه وجود الشیء»^{۳۸} که در این اصطلاح‌نامه دیده می‌شود، کاملاً صبغه و سبقه فلسفی دارد و با تعاریف معمول و مرسوم از این اصطلاحات در آثار کلامی نوشته شده در روزگار شیخ طوسی و مکتب شریف مرتضی (مثل تعریف «علت» به «ما یؤثر فی إيجاب الصفة للغير»^{۳۹} و تحدید «فاعل» به «من وجد مقدوره»^{۴۰}) ناهمگون است. از این رو، درج این مصطلحات و تعاریفات در رساله مورد بحث، گواهی است نیک بر متأخرتر بودن زمان نگارش آن از دوران حیات شیخ طوسی. به همین صورت، نوع اصطلاحات و تعاریفات وارد شده در رساله شرح عبارات المصطلحة بین المتکلمین با گونه اصطلاحات و تعاریف‌های ارائه شده در سایر آثار شیخ طوسی به ویژه المقدمه فی الکلام همسان و همخوان نیست. مقایسه‌ای گذرا میان این دور رساله از جهات یاد شده، این مدعا را به راحتی اثبات می‌کند. بنابراین، انتساب رساله شرح عبارات المصطلحة بین المتکلمین به شیخ طوسی، هم از حیث اسناد و اسناد تاریخی و هم از حیث محتوا با مشکلات اساسی مواجه است و از این رو باید نسبت آن را به شیخ طوسی قاطعانه رد نمود.

(۳) کتاب الحدود [الحدود و الحقائق فی شرح الألفاظ المصطلحة بین المتکلمین من الإمامیه]

۳۸. همان، ص ۲۳۷.

۳۹. المقرئ النیسابوری، قطب الدین أبو جعفر محمد بن الحسن، الحدود، ص ۳۸.

۴۰. نگرید به: الطوسی، الشیخ أبو جعفر محمد بن الحسن، المقدمه فی الکلام، چاپ شده با: الحسینی، نجیب الدین ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی، شرح المقدمه فی الکلام، ص ۲۳؛ الموسوی، علی بن الحسین، الملخص فی أصول الدین، ج ۲، ص ۳۱۹.

تألیف قاضی اشرف الدین صاعد بن محمد بن صاعد بریدی آبی (از دانشمندان امامی قرن ششم هجری).^{۴۱} در این رساله موجز حدود ۱۵۶ اصطلاح کلامی بر حسب ترتیب الفبایی به اختصار تعریف شده است.

(۴) کتاب أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق، نگاشته محمد بن علی بن شهر آشوب (د: ۵۸۸ ه.ق) که یکی از مفصل ترین اصطلاح نامه های کلامی در میان فرهنگ های نوشته شده بردست متکلمان امامی است. این کتاب که نگارش آن در سال ۵۷۰ هجری قمری به پایان رسیده است، مشتمل است برسی و سه باب که هر باب از چندین فصل تشکیل شده است و در هر فصل، نویسنده تعدادی از مهمترین مصطلحات رایج و فنی در موضوعات و علوم گوناگون به ویژه علم کلام را معرّفی و شرح کرده است.^{۴۲}

اصطلاح نامه های نامبرده همگی بر مبنای تعالیم مکتب شریف مرتضی و بر منهج کلام معتزلی بهشمی فراهم آمده اند و طبعاً حدود و تعاریف مذکور در آنها مشابهت و پیوند زیادی با هم دارد. از این رو به هنگام تحقیق در باب معانی اصطلاحات کلامی به کاررفته در متون کلامی وابسته به مکتب امامی بغداد متأخر و مکتب معتزلیان بهشمی رجوع به تمامی آنها سودمند خواهد بود. با توجه به کاربرد و معنای متفاوت برخی از اصطلاحات کلامی در متون نگاشته شده در دو سبک مختلف کلام معتزلی متقدم و کلام فلسفی متأخر، مراجعه به فرهنگ نامه های پیشگفته، در مواردی، برای درک و فهم معنای پاره ای از اصطلاحات کلامی رایج در آثار متعلق به دوره کلام فلسفی مناسب نیست و حتی ممکن است پژوهنده را دچار خطا و برداشت اشتباه نماید. بنابراین، هنگام استفاده از این نوع معجم ها همواره باید به تفاوت های معنایی اصطلاحات کلامی در مکاتب و مذاهب مختلف توجه داشت و برای شناخت معانی اصطلاحات متداول در هر مکتبی، به اصطلاح نامه های مربوط و مناسب با همان مکتب کلامی مراجعه نمود.

در بازگشت به موضوع اصلی این نوشتار، یعنی کتاب الحدود و مقرئ نیشابوری، نخست باید از ساختار و محتوای این کتاب سخن گفت. این قاموس کلامی دارای یک مقدمه و نه فصل است به شرح زیر:

۴۱. نگرید به: صاعد بریدی آبی، صاعد بن ابی منصور، الحدود والحقایق، ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران»، گردآوری و تصحیح: محمد تقی دانش پژوه، صص ۱۸ - ۲۳۵ چاپ شده در: الذکری الألفیة للشیخ الطوسی، ج ۲، دانشگاه [فردوسی] مشهد، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۱۴۱ - ۲۴۰. ویراست بهتری از این رساله با مشخصات زیر منتشر شده است: القاضی أشرف الدین صاعد البریدی الآبی، صاعد بن ابی منصور، الحدود والحقائق، تحقیق: حسین علی محفوظ، مطبعة الإسلام، قم (أفست طبع مطبعة المعارف بغداد، ۱۹۷۰ م.).

۴۲. برای آگاهی بیشتر از ویژگی های این کتاب نگرید به: عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش های کلامی (۷): أعلام الطرائق ابن شهر آشوب، کتابی نفیس در اصطلاح نامه نگاری اسلامی»، مجله آینه پژوهش، سال ۲۸، ش ۱۶۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۱۱۷ - ۱۳۰.

- ۱) مقدمه‌ای در شرح برخی از اصطلاحات مقدماتی و اساسی مثل «معلوم»، «معدوم»، «موجود»، «قدیم»، «حادث»، «جوهر»، «عَرَض».
- ۲) فصل اول درباره احکام جواهر و اصطلاحات مربوط به آنها.
- ۳) فصل دوم در بیان اقسام و احوال اعراض.
- ۴) فصل سوم در تعریف اصطلاحات مربوط به خطاب و خطابه.
- ۵) فصل چهارم در شرح اصطلاحات مربوط به لذت و درد.
- ۶) فصل پنجم در تعریف اوصاف موجود زنده و علل آنها (أوصاف الجُمَل ۴۳).
- ۷) فصل ششم در شرح اصطلاحات مربوط به فعل.
- ۸) فصل هفتم در تعریف اصطلاحات راجع به استحقاق و ثواب و عقاب.
- ۹) فصل هشتم در شرح اصطلاحات مربوط به حوزه معرفت و اعتقاد.
- ۱۰) فصل نهم در بیان قواعد و ضوابط تعریف.

در بیشتر فصل‌های این کتاب، طبقه‌بندی و تعریف پاره‌ای از اصطلاحات، ذیل چند مسأله صورت گرفته است و در مجموع، افزون بر چهارصد اصطلاح کلامی در این اثر تعریف و تبیین شده است. اینکه مُقَرَّر نیشابوری بر چه اساسی کتاب خویش را فصل‌بندی کرده است و در طبقه‌بندی اصطلاحات و تنظیم ساختار اثرش از کدام الگو پیروی نموده، مسأله‌ای است درخور تأمل که یافتن پاسخ آن نیازمند تحقیق و تدقیق افزون‌تر است. چنانکه از فصول کتاب نیز قابل فهم است، ترتیب درج اصطلاحات در الحدود ترتیب الفبایی نیست و اصطلاحات کلامی در آن به نحو موضوعی دسته‌بندی شده است به این صورت که مثلاً اصطلاحات مربوط به «اعراض» همگی در یک فصل گردآوری و تعریف شده است و اصطلاحات وابسته به حوزه علوم و اعتقادات و معارف در یک فصل دیگر در کنار هم. مزیت این شیوه در تدوین و تعریف اصطلاحات کلامی در قیاس با روش ترتیب الفبایی آن است که خواننده در هر بخشی با تمام یا بیشتر اصطلاحات مهم و متداول در هر موضوعی آشنا می‌شود و از پیوند و ربط و نسبت آنها با هم آگاه می‌گردد. چنین به نظر می‌رسد که مُقَرَّر نیشابوری، هم در نحوه نبویب و تعیین ساختار کتاب خود و هم در ارائه تعاریف برای مصطلحات کلامی تا حدودی از رساله المقدمه فی الکلام شیخ طوسی اثر پذیرفته است. مقایسه ساختار این دو اثر و نیز هم‌سنجی تعریف‌های ارائه شده برای برخی از اصطلاحات کلامی مشترک در این دو کتاب تا اندازه‌ای چند و چون اثرپذیری الحدود از المقدمه فی الکلام را فرامی‌نماید. بنابراین، به احتمال زیاد مُقَرَّر نیشابوری هنگام تألیف الحدود رساله نامبرده شیخ طوسی را در اختیار داشته است و از آن در تصنیف اثر خویش بهره‌وفی برده است.

۴۳. اصطلاح «جُمَل» در اینجا به معنای جمله و کلّ و مجموع اجزاء است، در برابر اجزاء، افراد و آحاد. بنابراین «أوصاف الجُمَل» ناظر است به صفاتی که متعلّق است به جمله و کلّ و مجموع اجزاء یک چیز و نه اوصاف هر جزء یا فرد آن.

در بحث حاضر، نسبت و رابطهٔ الحدود با أعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق ابن شهر آشوب نیز شایان توجه است. در موارد بسیاری، عین یا نظیر تعریف های مذکور در الحدود، در أعلام الطرائق نیز - اغلب به عنوان تعریف های دوم یا قولی در تعریف اصطلاح مورد نظر - بازگو شده است و میزان مشابهت میان این تعاریف به حدی است که می توان گفت به احتمال قریب به یقین کتاب الحدود یکی از منابع اصلی ابن شهر آشوب در تألیف أعلام الطرائق بوده است. با این وصف، تفاوت های قابل ملاحظه ای نیز میان این دو اصطلاح نامه وجود دارد. در حالی که الحدود یک فرهنگ خاص اصطلاحات کلامی است، أعلام الطرائق علاوه بر مصطلحات کلامی، بر شماری از اصطلاحات علوم دیگر همچون صرف و نحو و عروض و شعرو بلاغت و طب و نجوم و حساب نیز اشمال دارد گوا اینکه تعداد اصطلاحات کلامی آن در قیاس با واژگان علوم دیگر بسیار افزون تر است. همچنین، شمار اصطلاحات کلامی و نیز تعریف های ارائه شده برای آنها در أعلام الطرائق بیشتر از الحدود است. در الحدود معمولاً برای هر اصطلاح کلامی یک تعریف بیان شده است؛ اما در أعلام الطرائق غالباً چند تعریف برای بسیاری از مصطلحات نقل گردیده و خواننده با تعاریف گوناگون برای هر اصطلاح نیز آشنا می شود. از این ها گذشته، در هر یک از دو کتاب نامبرده برخی از اصطلاحات کلامی تعریف شده است که در دیگری مجال برای طرح نیافته. بنابراین رجوع به یکی از دو اثر مورد بحث نمی تواند مغنی و جایگزین مراجعه به دیگری باشد. این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد که اشتراک چشمگیر این دو فرهنگ در بعض تعریف ها و عبارات ممکن است در فرایند تصحیح آنها نیز مفید واقع شود؛ به این صورت که محققان می توانند از عبارات مشترک و متناظر در الحدود و أعلام الطرائق به عنوان منابع جنبی و مشورتی مهم در تصحیح هر یک از آنها بهره گیرند. در واقع، در ویراست های فعلی انتشار یافته از این دو اثر اغلاط و خطاهایی در پاره ای از عبارات آنها وجود دارد که تنها با رجوع به عبارات مشابه و متناظر آنها در کتاب دیگر قابل اصلاح است و باید در ویراست های جدید این آثار، از این ویژگی اشتراک و مشابهت دو کتاب در کلمات و عبارات، به منظور اصلاح و تصحیح آنها تا سرحد امکان استفاده نمود. در اینجا، برای نمونه، مقایسهٔ تعریف های وارد شده برای اصطلاح «تمکین» در دو اثر مورد بحث، نکات پیشگفته را آشکارتر می کند:

أعلام الطرائق ابن شهر آشوب	الحدود مقرئ نیشابوری
التمکین: ما یفعل بال غیر لیصح منه عنده ما أريد منه. وقيل: إعطاء ما یصح معه الفعل مع ارتفاع المنع. ويقال: كل ما لا یصح من المکلف ما کلف إلا معه من القدر والعقل والآلة و غیر ذلك، ممالا یتأتی الفعل إلا معه. (ج ۱، ص ۱۸۵)	التمکین: كل ما لا یصح من المکلف إذا ما کلف إلا معه من القدر والعقل والآلة و غیر ذلك ممالا یتأتی الفعل إلا معه. (ص ۷۱)

چنانکه ملاحظه شد، عین تعریفی که در الحدود برای اصطلاح «تمکین» بیان گردیده است، در أعلام الطرائق نیز به عنوان تعریف سومی برای این اصطلاح بازگو شده است. متأسفانه در ویراست های

هر دو کتاب، خطاهایی در ضبط کلمه‌ای از این تعریف صورت گرفته است که موجب اخلال در فهم معنای درست آن می‌شود. در عبارت «کلّ ما لا یصحّ من المکلف إذا ما کلف» ضبط درست به جای کلمه «إذا» - مطابق دست‌نویست الحدود - کلمه «أداء» است. بنابراین، در اعلام الطرائق نیز باید کلمه «أداء» به تعریف یادشده افزوده گردد، یعنی ضبط درست عبارت به این صورت است: «کلّ ما لا یصحّ من المکلف أداء ما کلف إلاّ معه». طبق گزارش مصحح ارجمند کتاب اعلام الطرائق، در یکی از نسخه‌های این کتاب به جای کلمه «ما» کلمه «إذا ما» نوشته شده است.^{۴۴} بی‌تردید، با توجه به آنچه در دست‌نویست الحدود آمده است، ضبط درست عبارت مزبور در اعلام الطرائق نیز همین «أداء ما» است که ظاهراً به سبب تصحیف یا اشتباه کاتب به صورت «إذا ما» کتابت شده است.

اینک نمونه دیگری:

الحدود مُقرئ نیشابوری	أعلام الطرائق ابن شهر آشوب
<p>الحیة: معنی إذا وجد، أوجب كون الغير حیاً، وتقف صحّة المنافع علی وجودها، ولا یصحّ وجود جزء منها، بل لابدّ من القدر الذي یحیی به الحي. ومن حکم الحیة أن یصیر الاجزاء جملة. ویصحّ الإدراک بمحلّها، ویصحّ علیها البقاء. ولا ضدّ لها لا من نوعها ولا من نوع آخر. لأنّها متماثلة. لا سبیل للاختلاف علیها وإتّما ینتفی بانتفاء ما یتحتج إلیه من البنية و شروطها. (ص ۶۴)</p>	<p>الحیة: ما توجب صفّة لأجلها یصحّ أن یعلم ویقدر. وقیل: معنی إذا وجد أوجب كون العین حیاً، وتقع صحة المنافع علی وجودها. وقیل: ما یصحّ لوجوده الإدراک فی الحقیقة. وکلّ حی یجوز علیه الموت فهو حی بحیاق، والحيّ من لا یحیی إلا بحیاق تخضّمه، ولا تخضّمه إلا بأن تحلّه، ولا تحلّه إلا بعد أن یكون مرکباً مبنیاً ضرباً من البنية والترکیب مخصوصاً، ولا یصحّ وجود منها بل لابدّ من القدر الذي یجیء به الحيّ، ولا یصحّ أن توجد فیما هو بُنیة الحیة إلا بأن توجد فی کلّ جزء من تلك البنية حیاة، ولا یجوز أن توجد فی بعض تلك البنية دون بعض. ولها تأثیر فی محلّها، لأنّ بها یحصل محلّها بعضاً للجملة الحیة الفعالة فی الإدراک. ومن حکمها أن تُصیّر الاجزاء جملة، وهي جنس واحد متماثل کله، لیس فیهِ مختلف ولا متضادّ، ولا تدخل تحت مقدور للقدر. وهي غیر مدرکة أصلاً. ویصحّ الإدراک بمحلّها، ویصحّ علیها البقاء. ولا ضدّ لها من نوعها، ولا من نوع آخر، لأنّها متماثلة لا سبیل للاختلاف إلیها. وفي جواز البقاء علیها خلاف، وإتّما تنتفی بانتفاء ما تحتج إلیه من البنية، و شروطها. والفرق بین الحيّ والمیت یعلم ضرورة. والخلاف إنما یقع فی التفصیل. (ج ۱، ص ۱۷۷)</p>

۴۴. نگرید به: ابن شهر آشوب المازندرانی السروی، محمد بن علی، أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق، ج ۱، ص ۱۸۵، پاورقی ش ۸.

همانگونه که در جدول بالا قابل مشاهده است، تمام عباراتی که در الحدود برای تعریف اصطلاح «حیة» باز نموده شده است، در اعلام الطرائق نیز درج گردیده است به همراه توضیحات بیشتر (عبارات مشترکِ اعلام الطرائق با الحدود با حروف برجسته متمایز شده است). ضبط برخی از کلمات در متن اعلام الطرائق نادرست می نماید و افتادگی هایی نیز در آن مشهود است که با رجوع به متن مشابه و متناظر آن در الحدود می توان به تصحیح و اصلاح آنها پرداخت. صورت صحیح ضبط های نادرست پیشگفته در اعلام الطرائق که زیر آنها خط کشیده شده از این قرار است:

- (۱) العین ← الغیر. (۲) تقع ← تقف. (۳) ولا یصح وجود منها ← ولا یصح وجود جزء منها.
 (۴) یجیء به الحی ← یحیی به الحی. (۵) ولا ضد لها من نوعها ولا من نوع آخر ← ولا ضد لها لا من نوعها ولا من نوع آخر.

همچنین، حرکت گذاری اصطلاح «بنیة» (با کسرباء) در متن ویراست اعلام الطرائق به صورت «بنیة» (با ضم باء) نادرست به نظر می رسد و محتاج تصحیح و بازویاری است.

باری، یکی از امتیازات و ویژگی های شاید منحصر بفرد الحدود این است که این اثر نه مانند بسیاری از اصطلاح نامه های کلامی پیش از خود که در سنت کلام معتزلی نگاشته شده اند (مثل المقدمة فی الکلام) کوتاه و مختصر است، و نه مانند اعلام الطرائق مفصل و مشحون از تعاریف مختلف است که گاه خواننده را دچار تحیر می سازد، بلکه حجمی و طریقی میانه و متوسط دارد و با زبانی ساده شرح و تعریفی از اصطلاحات را در اختیار مخاطبان قرار می دهد. این ویژگی، مراجعه به این اثر را برای کلام آموزان مبتدی سهل و سودمند می نماید و جایگاهی ممتاز برای آن در میان اصطلاح نامه های کلامی فراهم می آورد.

۵. بررسی و نقد ویراست کتاب الحدود

کتاب الحدود تاکنون یکبار و بر اساس تنها نسخه شناخته شده از آن که اینک با شماره ۳۴۴۲۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است به کوشش مرحوم استاد محمود یزدی مطلق (فاضل) نشر یافته است.^{۴۵} چنانکه گذشت، بر اساس ترقیمة این دست نوشت، استنساخ آن در ماه صفر سال ۶۵۵ هجری قمری به دست احمد بن مجتبی بن احمد بن صالح حسینی به انجام رسیده است. به رغم خطاها و نادرستی هایی که در مواضعی از نسخه منحصر بفرد پیشگفته از کتاب الحدود مشاهده می شود، این دست نوشت در مجموع، دست نویس نسبتاً معتمد و معتبری به حساب می آید و با بهره گیری از سایر متون هم خانواده و موازی این کتاب، به ویژه اعلام الطرائق

۴۵. المُقرئ النیسابوری، قطب الدین أبوجعفر محمد بن الحسن، الحدود (المعجم الموضوعی للمصطلحات الکلامیة)، تحقیق: الدكتور محمود یزدی مطلق (فاضل)، إشراف: الأستاذ جعفر السبحانی، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۴ ق، ۱۵۲ ص.

ابن شهر آشوب، می‌توان ویراستی استوار از آن را عرضه نمود. با این حال، ویراست انتشار یافته از این کتاب، آکنده است از خطاها و اغلاط گوناگون، و متنی درست و دقیق از آن را به دست نمی‌دهد. در ادامه، شماری از این خطاها و نادرستی‌ها بازنموده می‌شود که مشتمل است بر انواع خوانش‌های نادرست، ضبط‌های غلط، افتادگی‌ها، اضافات و حروف نگاری‌ها و حرکت‌گذاری‌های ناصواب. شوربختانه معنای پاره‌ای از جملات و عبارات کتاب، آشکارا در اثر ضبط‌های اشتباه، به کلی نامعلوم و نامأنوس گشته است که این امر نموداری دقتی و سهل‌انگاری مصحح در کار تصحیح این اثر است. برای نمونه عبارت زیر را ملاحظه کنید:

«الاعراء: البعث على الفعل بتهدة الدواعي وإزالة الخوف حتى يكون كالمحمول عليه. وقيل: هو التحلية بين المراد وبين ما أراد.» (ص ۷۵)

در تعریف بالا برای کلمه «إعراء» سه ضبط نادرست وجود دارد که موجب اخلال در فهم معنای آن شده است. با رجوع به دست‌نویست کتاب الحدود روشن می‌شود که صورت صحیح کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده از این قرار است: «بتقوية الدواعي» به جای «بتهدة الدواعي»، «التحلية» به جای «التحلية»، و «المرء» به جای «المراد». اکنون معنای عبارت پیشگفته واضح و قابل درک می‌شود.

نمونه دیگر: در تعریف «اراده» این عبارت ثبت شده است: «الإرادة: معنى يوجب كون الحق مريداً.» (ص ۱۰۳). با مراجعه به دست‌نویس الحدود معلوم می‌شود که مصحح در خوانش نسخه دچار لغزش شده است و کلمه «الحى» را به خطا «الحق» خوانده است! عین همین خوانش نادرست، در جای دیگری از کتاب نیز دیده می‌شود:

«مثل وجود المدرك، فانه أمر منفصل عن المدرك ويصح وجوده، وإن لم يدركه الحق مئلاً مانع يمنعه منه» (ص ۱۱۴). در اینجا نیز ضبط درست، مطابق نسخه کتاب الحدود همان «الحى» است، یعنی: «وإن لم يدركه الحق مئلاً».

محقق کتاب می‌توانست با اندکی باریک بینی و ایمان نظر در معنای عبارات نقل شده، به اشکال واضح آنها و نیز ضبط درست کلمات پی ببرد.

به همین صورت، در عبارت «اعلم أنّ هذا اللفظ يستعجل على وجوه» (ص ۱۰۹) نیک نمایان است که ضبط «يستعجل» غلط است و صورت صحیح آن بنا بر آنچه در دست‌نویست آمده عبارتست از: «يستعمل».

در اینجا فهرستی از سایر اغلاط و خطاهای مشهود در چاپ تحت بررسی از کتاب الحدود ارائه می‌شود تا معلوم گردد اتقان و اعتبار آن تا چه مایه و اندازه است. ابتدا عبارت نادرست مندرج در

چاپ الحدود و سپس ضبط درست آن ثبت مى شود. تعيين ضبط صحيح كلمات، با مراجعه به دست نوشت اين اثر و نيز بهره گيرى از متون هم خانواده و همسان اين كتاب صورت مى گيرد. در هر مورد، زير ضبط غلط خطى كشيده شده است.

۱. و لذلک قولهم: ذاتٌ ← كذلك. (ص ۲۲، س ۱۵)
۲. و قد يكون قبالة الناظر ← و يكون. (ص ۲۴، س ۱۵)
۳. قيل إنه جسم وأجسم ← جسيم. (ص ۲۶، س ۳)
۴. أن المفاعلة تقع بين اثنين إلا القليل، مثل عاقبت اللص ← أن المفاعلة تقع بين اثنين إلا القليل، مثل طارقت النعل و عاقبت اللص. (ص ۲۸، س ۴)
۵. و إنما يخالفه لاختصاصه لصفة ليس مخالفه عليها ← بصفة. (ص ۲۹، س ۲)
۶. قيل: الجهة: عبارة عن خلق صح وجود جوهر فيه ← وقيل: الجهة: عبارة عن خلوص وجود جوهر فيه. (ص ۳۰، س ۹)
۷. الإرادة والكرامة ← الكراهة. (ص ۳۳، س ۶)
۸. والثاني يوجب الصفة للحمل ← للجمل. (ص ۳۳، س ۱۶)
۹. الكون معنى إذا وجد يوجب كون الجوهر كائناً في جهة ← كائناً في جهة دون جهة. (ص ۳۴، س ۵)
۱۰. فالمبتدأ: يسمى كونا، حيث وهو الكون الذي خلق مع الجوهر أول ما خلق ← فالمبتدأ: يسمى كونا حسب. (ص ۳۵، س ۶)
۱۱. والمحل: هو المتحيز. وقيل: المحل، ما حله غيره، و كلاهما في المعنى واحد. ← كلاهما. (ص ۳۶، س ۱۰)
۱۲. ووجب أن لا يتحد ← لا يتجدد. (ص ۴۴، س ۱۰)
۱۳. الخطاب: كل كلام وقعت عليه المواضع، غير أنه لا يكون خطاباً إلا بإدراكه المخاطب ← إلا بإرادة المخاطب. (ص ۴۸، س ۱)
۱۴. الدعاء والبشارة واللقب والمنى والغرض ← التمنى. (ص ۴۸، س ۸)
۱۵. وقد يوجد في الحقائق ما مجاز له ← ما لا مجاز له. (ص ۵۳، س ۱۵)
۱۶. أن التزايد يصح من اللذة، والألم ← فى. (ص ۵۶، س آخر)
۱۷. ذلك بمنزلة من يجرح نفسه ثم يأسوه ← يجرح نفسه ثم يأسوه. (ص ۵۷، س ۲)
۱۸. أنه لا يسمى ألماً ولا لذة لقوة الشهوة والنفاذ ← لفقد. (ص ۵۸، س ۱)

۱۹. التلذذ: إدراك المشتهي. التألم: إدراك ما ينفرعنه ← التلذذ: إدراك المُشتهى. والتألم: إدراك ما ينفرعنه. (ص ۵۹، س ۶ - ۷).

۲۰. الخذلان: التحلية بين الإنسان و بين ما فيه فساده أو ضرّه ← التحلية. (ص ۵۹، س ۱۱)

۲۱. الحياة: معنئ إذا وجد، أو جب كون الغير حياً، وتقف صحّة المنافع على وجودها، ولا يصح وجود جزء منها، بل لابد من القدر الذي يجيء به الحي ← يحيي. (ص ۶۴، س ۵)

۲۲. الجزع: إظهار سكوّة عظيمة ← سكوّة. (ص ۶۷، س ۱۳)

۲۳. وكلّ جزء من أجزاء القدر متعلّق بما لا يتناهى في مقدور القدر إذا اختلف الوقت والمحلّ والجنس ← وكلّ جزء من أجزاء القدر يتعلّق بما لا يتناهى من مقدور القدر. (ص ۷۰، س ۴)

۲۴. وتعلّق القدرة بالمقدور حكم مقتضى صفة ذاتها. ولذلك إيجابها كون الحي قادراً ← وكذلك. (ص ۷۰، س ۱۲)

۲۵. التمكين: كلّ ما لا يصحّ من المكلف إذا ما كلف إلا معه من القدر والعقل والآلة ← أداء. (ص ۷۱، س ۲)

۲۶. التمانع: لا يكون إلا بين قادرين وهو أن يمنع كلّ واحد منهما الآخر عن الفعل. ولا يكون لذلك إلا أن يحاول كلّ واحد منهما ضدّ ما يحاوله الآخر ← كذلك. (ص ۷۱، س ۱۴)

۲۷. وكذلك الشريعة ← وكذلك الشريعة. (ص ۸۶، س ۷)

۲۸. وقد يحمل على هذا الوجه قوله تعالى ← قد حُمل. (ص ۸۶، س ۱۰)

۲۹. الفور: أن يستعجل المكلف أداء ما أمر به ويشرع فيه ← ويسرع فيه. (ص ۸۷، س ۷)

۳۰. ومن المعلوم ما لا متعلّق له ← في. (ص ۸۸، س ۱۵)

۳۱. لأنّ العلم يقبح ما له صفة الظلم، مع العلم بكون الألم ظلماً، داع قوياً إلى العلم الثالث ← يقبح. (ص ۹۱، س ۷)

۳۲. والثاني: علمه بما لا يدركه عند ارتفاع اللبس ← والثاني: علمه بما يدركه عند ارتفاع اللبس. (ص ۹۱، س ۱۹)

۳۳. والثالث: علمه لفقد ما لا يدركه من الأشياء التي لو وجدت، لأدركها مع ارتفاع اللبس ← بفقد. (ص ۹۱، س ۲۰)

۳۴. والسادس: العلم بكثير من الأمور عند ضرب من الاختيار ← الاختبار. (ص ۹۱، س ۲۰)

۳۵. الأمن: العلم بأنّه لا يصيبه ضرر ولا يفوته منفعة إذا كان ممّن يصلح ذلك عليه ← يصح. (ص ۹۴، س ۵)

۳۶. الطقّ نوع مفرد زائد على قبح الاعتقاد ← قبيل. (ص ۹۴، س آخر)

۳۷. الوهم: هو الظنّ الذي كان مظنونهُ على خلاف ظنّه ← الوهم: هو الظنّ الذي كان مظنونهُ على خلاف ما ظنّه. (ص ۹۵، س ۱)
۳۸. التصوّر: الظنّ فيما له نظير مشاهد. وقد يستعمل في العلم بصفة ما يشاهده بعد نقض الإدراك ← تقصّي. (ص ۹۵، س ۵)
۳۹. التخيل: هو الظنّ فيما يشاهده الإنسان ما لا يكون له أصل لعلّة المناظر، مثل أن يظنّ في السراب أنّه ماء ← لغلط. (ص ۹۵، س ۶)
۴۰. المدلول: المكلف الذي نصب له الدلالة ← نصبت. (ص ۹۹، س ۱۶)
۴۱. الإمارة: ما يحصل عنده الظنّ ← الأمانة. (ص ۹۹، س آخر)
۴۲. قد علم أنّ الأمر لا يكون أمراً إلا إذا كان الأمر مريداً للمأمور به ← الأمر. (ص ۱۰۳، س ۱۳)
۴۳. ومنها: تعلّق كون المدرك مدركاً، وهو الطريق إلى العلم بالمشاهدات ← ومنها: تعلّق كون المدرك مدركاً، فإنّه يتعلّق بالمدرك، وهو الطريق إلى العلم بالمشاهدات. (ص ۱۰، س ۱۲)
۴۴. مثل قولنا في كونه الجوهر جوهرًا ← كون. (ص ۱۱۲، س ۱۰)
۴۵. والمقتضي والمقتضى وصفان، لا سبيل للحدوث إليهما ← للحدوث. (ص ۱۱۶، س ۱۲)
۴۶. أنّ السبب جاز أن يعدم عند وجود العلم المسبب ← أنّ السبب جاز أن يعدم عند وجود المسبب. (ص ۱۱۶، س ۱۴)
۴۷. وآنما نعلم بالسمع أنّ الأجسام ستقدّم لا محالة ← ستعدم. (ص ۱۱۸، س ۶)
۴۸. أنّ الجسم لا يحتاج في وجوده إلى أكثر من كون فاعله قادراً ليحدثه به ← ليحدث. (ص ۱۱۹، س ۹)
۴۹. القدر الذي يأنس المتبدئ به ← المبتدى. (ص ۱۱۹، س ۱۶)
۵۰. أنّ من يذهب إلى قدم الأجسام يعلم يغيرها وإن لم يعلم جواز وجود بعضها مع عدم البعض ← يعلم تغايرها. (ص ۱۱۹، س ۱۶)

آنچه باز نموده شد، تنها بخشی از اغلاط راه یافته به چاپ مورد بحث از کتاب الحدود است. شمار چشمگیری این خطاها و نادرستی‌ها در ویراست یاد شده گواهی است بر ناستواری و بی اعتباری آن، و ضرورت ارائه ویراستی دقیق از این اثر سودمند را فرامی نماید. گذشته از موارد پیشگفته، اغلاطی نیز در خود دست‌نویس کتاب الحدود وجود دارد که متأسفانه در ویراست منتشر شده از آن نیز عیناً تکرار شده است. خوشبختانه صورت صحیح بسیاری از این اغلاط را می‌توان با بهره‌گیری از متون مشابه الحدود به ویژه اعلام الطرائق ابن شهر آشوب شناسایی و معین کرد. در ویراست تازه‌ای از الحدود که به خواست خداوند متعال در آینده‌ای نزدیک ارائه خواهد شد، کوشش شده است تا حد امکان

این‌گونه خطاها نیز تصحیح گردد و ویراستی منقح و استوار از این اثر کم نظیر و بیش‌بها ارائه شود.

کتابنامه

ابن الفوطی، عبدالرزاق بن أحمد، مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ج ۶، تحقیق: محمد کاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق، ج ۲، تحقیق: سید علی طباطبائی یزدی، انتشارات ندای نیایش (وابسته به شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، تهران، ۱۳۹۳ ه.ش.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشيعة، ج ۴، تحقیق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۴۳ ه.ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، تحقیق: السيد محمدرضا الحسيني الجلالی، دار المحجة البيضاء و مكتبة دار علوم القرآن، كربلاء - بيروت، ۱۴۳۳ ه.ق.

أفندی الإصبهانی، الميرزا عبد الله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۵، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة سماحة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى، قم، ۱۴۰۳ ه.ق.

أفندی الإصبهانی، الميرزا عبد الله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۷، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة سماحة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

الأمین، السيد محسن، أعيان الشيعة، ج ۱۲، حقه وأخرجه: حسن الأمين، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۳ ه.ق. انصاری، حسن، شريف مرتضى و جایگاه او در تاريخ الهيات اسلامي، انتشارات علمی، تهران، ۱۴۰۱ ش.

انصاری، حسن، وزاينه اشمیتکه، «شيخ طوسی: نگاشته‌های کلامی او وسنت تداول آنها»، چاپ شده در: میراث مرتضوی: جستارهایی در باب میراث مکتوب شريف مرتضى، گزیده و ترجمه و نوشته: حمید عطائی نظری، کتاب طه، قم، ۱۴۰۱، صص ۱۰۹-۱۵۸.

الحرّ العاملي، محمد بن الحسن، أمل الآمل، ج ۲، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۳۱ ه.ق.

الرازی، منتجب الدین علی بن عبید الله، الفهرست، تحقیق: السيد عبدالعزيز الطباطبائي، مجمع الذخائر الإسلامية، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

الرازی، منتجب الدین علی بن عبید الله، الفهرست، تحقیق و مقدمه از: سيد جلال الدين محدث أرموی، کتابخانه عمومی آية الله العظمى مرعشي نجفی، قم، ۱۳۶۶ ش.

الراوندي، قطب الدين أبو الحسنين سعيد بن هبة الله، سلوة الحزين و تحفة العليل (الشهيري بالدعوات)، تحقیق: عبد الحليم عوض الحلّي، دليل ما، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.

الصدر، السيد حسن، تكملة أمل الآمل، ج ۶، تحقیق: محفوظ، حسينعلی و دباغ، عدنان و دباغ، عبد الكريم، دار المؤرخ العربي، بيروت، ۱۴۲۹ ه.ق.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن، المقدمّة في الكلام، چاپ شده با: الحسيني، نجيب الدين ابوالقاسم عبد الرحمن بن علی، شرح المقدمّة في الكلام، تحقیق و تقديم: حسن انصاری، زاينه اشمیتکه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش.

الطهرانی، الشيخ آقا بزگ، طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۷، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۳۰ ه.ق. عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۷): أعلام الطرائق ابن شهر آشوب، کتابی نفیس در اصطلاح نامه

- نگارِ اسلامی»، مجله آینه پژوهش، سال ۲۸، ش ۱۶۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۱۱۷ - ۱۳۰.
- القاضی أشرف الدین صاعد البریدی الآبی، صاعد بن ابی منصور، الحدود والحقائق، تحقیق: حسین علی محفوظ، مطبعة الإسلام، قم (أفیست طبع مطبعة المعارف بغداد، ۱۹۷۰ م.).
- قزوینی رازی، عبد الجلیل، نقض، تصحیح: میرجلال الدین محدث ازموئی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
- اللجنة العلمیة فی مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام)، معجم طبقات المتکلمین، ج ۲، مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۴ ه.ق.
- المُقرئ النیسابوری، قطب الدین أبوجعفر محمد بن الحسن، التعليق فی علم الکلام، التحقيق: محمود یزدی مطلق (فاضل)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵ ه.ش.
- المُقرئ النیسابوری، قطب الدین أبوجعفر محمد بن الحسن، الحدود (المعجم الموضوعی للمصطلحات الکلامیة)، تحقیق: الدكتور محمود یزدی مطلق (فاضل)، إشراف: الأستاذ جعفر السبحانی، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۴ ق.
- الموسوی، علی بن الحسین، الرسائل والمسائل، ج ۵، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ۱۴۴۲ ه.ق.
- الموسوی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، تقدیم وإشراف: السید أحمد الحسینی، إعداد: السید مهدی الرجائی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ه.ق.
- Dadkhah, Gholamreza, and Reza Pourjavady, *Keys to the Sciences (Maqālid al-'ulūm: A Gift for the Muzaffarid Shāh Shujā' on the Definitions of Technical Terms.* Leiden), The Netherlands, Brill, 2020.



۱۷۵ ب ی

فان كان اللفظ لغوياً فالمرجع فيما تحدد به الى اللغة
 لانه يجب ان يكون موافقاً لها وقعت عليه اموأ
 صنعة وان كان اللفظ شريعياً فالاعتماد فيه
 بموضوعات الشرح واما الالفاظ الامتلا
 حية فالواجب ان يكون له شبهة بها وقعت
 عليه المواضع لان اهل الاصطلاح يتكلمون
 بكلام العرب قبل ما كان اشبه بكلامهم
 اولى بالاعمال المردود

فما الكنا
 الحمد لله و منه و حسن توفيقه و صلوات الله على النبي
 محمد و آله كنه احمد بن الحسين بن احمد الحسيني
 صنع به طويلاً و غفلة توبه و لو ادر به
 وطن قال امين رب العالمين و وقع
 الفداح منه في شهر صفر من شهر سنة
 خمس و خمسين و ستمائة هجرية
 و الحمد لله رب العالمين
 يا ايها المؤمنون حسبي الله و الله
 دست بعت حسبي الله و الله و الله
 ليست ما را هیچ خوانم و هر کس خواند
 زانکه هستی در دو عالم بنده و برادرش

